

## کنکاشی در معنای

### گفتگوی تمدنها، به مناسبت سفر خاتمی به نیویورک

تقی روزه ۸ اکتبر ۲۰۰۱

امروز محمدخاتمی رئیس‌جمهور ایران، برای شرکت در نشست عمومی سازمان ملل حول گفتگوی تمدنها - که خودی از پیشنهاد دهندگان اولیه آن بوده است، عازم نیویورک گردید.

گفتگوی تمدنها در فضا و در شرایط و بستری از سیر رویدادها برگزار میشود که هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح داخل کشور، نوعی رهپاری بسوی واگرایی تمدنها و دامنگستری جنگ و بربریت و توحش مشهود است. در سطح بین‌المللی، در واقع نظریه برخورد و جنگ تمدنها که توسط هانتینگتون تدوین شده است، و تا چندی قبل تصور میشد، در عداد بسیاری از این دست اظهارنظر "دانشمندانه" و نظریه پردازانه ایست که به طیف‌هایی از جناح محافظه کار تعلق دارد، با کمال تعجب، توسط راست‌ترین جناح‌های حاکم بردولت آمریکا، عملاً به عنوان فلسفه سیاسی حزب حاکم بر آمریکا و آبخور سیاست بین‌المللی این کشور، بر مناسبات حاکم بر جهان تحمیل شده است. اکنون سازمان ملل نیز در وجه غالب عملکرد خود، در عمل بصورت ابزاری برای پیشبرد این سیاست در آمده است. از این زاویه مبارزه بی‌امان در سطح بین‌المللی با میلیتاریسم و جنگ افروزی که ریشه در ماهیت و سرشت سرمایه‌داری بین‌المللی دارد، و برقراری صلح وظیفه هر انسان آزادیخواه را تشکیل میدهد.

با این وجود امروزه روز دیوار چین بین داخل و خارج کشور نمی‌توان کشید و در دنیایی که دهکده جهانی می‌نامندش، نمیتوان در یک زمان دوسیاست و دوسیمای ظاهراً متفاوت را به پیش کشید. وقتی از این زاویه به مسأله نگریسته شود، مشاهده میشود، که در وجه داخلی، از زاویه جمهوری اسلامی اولاً گفتگوی تمدنها، در واقع چیزی جز حفظ آن نوع بربریت و توحشی که تحت عنوان تمدن اسلامی و حکومت ایدئولوژیک-مذهبی بر جامعه ما روا می‌رود نیست. بنابراین اگر در سطح بین‌المللی گفتگوی تمدنها میتواند هر آینه صبغه‌ای از پیام صلح و گفتمان تمدنها را در خود داشته باشد، در وجه داخلی اما عملاً چیزی جز پاسداری از بربریتی تحت عنوان نظام ولایت فقیه و نظام مذهب سالار نیست. بر این پایه است که حضور خاتمی در اجلاس سازمان ملل و در سطح بین‌المللی، بعنوان نماد و تمامیت نظام حاکم صورت می‌گیرد. تمامیتی که او -همچنان که در سفرهای مشابه خویش نشان داده است- در سطح بین‌المللی به طور قاطع به دفاع از تمامیت آن برمی‌خیزد. و برآستی پرسیدنی است که آیا نظام جمهوری اسلامی، با این همه بربریتی که به نمایش می‌گذارد، شایستگی نمایندگی تمدنی از تمدنهای جهانی را دارد؟ یا پوستین وارونه پوشیدن برای مقاصد دیگری است؟ و همین تناقض و دوگانگی بارز است که مسأله قسم حضرت عباس و دم خروس را توأمان به نمایش می‌گذارد. یعنی درحالی‌که در کشور ما هر روز بیشتر از گذشته دامنه نقض حقوق اولیه بشر، و حق اندیشه و بیان و فعالیت آزاد مورد تعرض سیستماتیک قرار می‌گیرد، و درحالی‌که بربریتی از نوع طالبانی نظیر شلاق و شکنجه در ملاءعام و و آویزان کردن اجساد، بیش از هر زمانی خود را به نمایش می‌گذارد، خاتمی به دفاع از آن به عنوان یکی از تمدنهای جهانی، در سازمان ملل حضور پیدا میکند. و همین مسأله است که دفاع جمهوری اسلامی از گفتگوی تمدنها را بیشتر بیک شوخی و امرغیرجدی تبدیل کرده است. بی تردیدی از موازین اساسی و پایه‌ای گفتگوی تمدنهای بشری رعایت اکید و بی‌قید و شرط منشور حقوق بشر جهانی است. یعنی عرصه‌ای که به محض آنکه در گفتگو در این باره گشوده شود، نمایندگان جمهوری اسلامی با یک بغل کتاب مقدس، مرکب از فقه و احکام اسلامی و شعار حقوق بشر بومی (یعنی حقوق بشر اسلامی شده) ظاهر میشوند.

علاوه بر تناقضات و دوگانگی‌های نهفته در گفتگوی تمدنها در منطق و ایدئولوژی سردمداران جمهوری اسلامی، خاتمی در شرایطی در این گفتگو شرکت میکند، که جناح تمامیت‌گرا و بویژه شخص خامنه‌ای در تهاجمی سنگین تمام زمزمه‌ها را مورد حمله قرار داده و حتی نفس مذاکره و گفتگو با آمریکا را کنسل کرده و چنانکه میدانیم،

مدتهاست که خود سانسوری سنگینی را بر رسانه‌های این جناح تحمیل کرده است. و همین نگاه به سیمای داخلی جمهوری اسلامی است که شکنندگی و بی‌محتوایی شعار گفتگوی تمدنها از سوی جمهوری اسلامی را به نمایش میگذارد.

اکنون کلام اول در گفتگوی تمدنها، مبنای قرار گرفتن بی‌قید و شرط منشور حقوق بشر، و از جمله آزادی بیان و اندیشه و تشکل و دیگر موازین اولیه است. با مسدود شدن حمل کالای قاچاق تحت عنوان گفتگوی تمدنها و بامبنای قرار گرفتن این موازین اولیه از نظریه گفتگوی تمدنها برای جمهوری اسلامی برآستی چه باقی می‌ماند؟